

رد اهل سنت بر وهابیت (۳)

توسل در یک نگاه

محمد عابد سندی

تعلیق و تحقیق

وهبی سلیمان غاوجی

سرشناسه: سندی، محمدعابد، ۱۱۹۰-۱۲۷۵ ق.

عنوان قراردادی: محق القول فی مسأله التوسل. فارسی. برگزیده

عنوان و نام پدیدآور: توسل در یک نگاه / محمدعابد سندی: تعلیق و تحقیق

و هبى سليمان غاوجى؛ مركز ترجمان دينى.

مشخصات نشر: تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهري: ۶۴ ص.

فروست: رد اهل سنت بر وهابيت؛ ۳.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۰۱-۸

وضعيت فهرست‌نويسى: فبا.

يادداشت: اين كتاب ترجمه از بخش عربى تحت عنوان "محق القول فى مسأله التوسل" محمدزاهد كوثرى مى‌باشد.

موضوع: توسل - احاديث اهل سنت

موضوع: وهابيه - دفاعيه‌ها و رديه‌ها - احاديث اهل سنت

شناسه افزوده: غاوجى، وهى سليمان، مقدمه‌نويس، مصحح

شناسه افزوده: كوثرى، محمدزاهد، ۱۸۷۹-۱۹۵۲ م. محق القول فى مسأله التوسل. برگزیده

شناسه افزوده: مركز تخصصى ترجمان دينى

رده‌بندى كننگره: ۱۳۹۰ ق ۸۸ س ۶ / ۲۲۶ BP

رده‌بندى ديوبى: ۲۹۷ / ۴۶۸

شماره كتابشناسى ملي: ۲۲۲۲۲۸

توسل در یک نگاه

تأليف:	محمدعابد سندی
تدوين:	مركز تحقیقات حج
ناشر:	مؤسسه فرهنگى مشعر
چاپ و صحافى:	چاپخانه مشعر
نوبت چاپ:	۱ - بهار ۱۳۹۰
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
بها:	۷۰۰ تومان

ISBN: 978-964-540-301-8

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۰۱-۸

مراکز پخش و فروشگاه‌های مشعر:

تهران: تلفن: ۰۲۱-۶۴۵۱۲۰۰۳ / قم: تلفن: ۰۲۵۱-۷۸۲۸۴۰۰

دبایچه

و هایت فرقه‌ای است که قدمت آن به بیش از دو قرن نمی‌رسد، اما این فرقه با تکیه بر ظواهر برخی آیات و روایات به بهانه مبارزه با شرک و کفر در مقابل همه مسلمانان ایستاده و آنان را به شرک و کفر متهم می‌کنند. امروزه این فرقه مدعی دفاع از مسلمانان است و خود را تنها منادی اسلام واقعی می‌خواند.

آنان مدعی‌اند که همه مسلمانان طرفدار افکار و اندیشه‌های «ابن عبدالوهاب» و «ابن تیمیه»‌اند و حال آنکه اندیشمندان اسلامی و پیروان سایر فرق اهل سنت چنین ادعایی را نپذیرفته و سالیان متمادی با این افکار انحرافی به مبارزه برخاسته‌اند.

آنچه در پیش روی حقیقت‌جویان است ترجمه کتاب حول التوسل و الاستغاثه از نگاشته‌های محمد عابد السندی از اندیشمندان اهل سنت در رد برداشت‌های وهابیان است. بدیهی است که ترجمه این گونه آثار به معنای تأیید همه محتوای نوشته نبوده و چه بسا در برخی موارد با اندیشه متکلمان

ع.....توسل در یک نگاه

شیعه در تعارض باشد.

امید است این سلسله آثار مقبول طبع بلند اندیشه‌وران عرصه شناخت
ملل و نحل قرار گرفته و راهی روشن فرا روی جست‌وجوگران حق و
حقیقت قرار دهد.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه کلام و معارف

www.ketab.ir

آشنایی با نویسنده

پیش از هر چیز شایسته است با مؤلف این اثر، فقیه محدث شیخ محمد عابد سندی انصاری آشنا شویم.

این دانشمند مسلمان نزدیک به سال ۱۱۹۰ هجری در خانه علم، فضیلت، دین، کیاست، زهد و پارسایی در شهر مند دیده به جهان گشود. او از همان اوایل زندگی، از دانش پدرش شیخ احمد و عموش شیخ حسین بهره می برد؛ چنان که پدر بزرگش، علامه شیخ الاسلام محمد مراد انصاری، فضیلت و دانش را به او آموخت. محمد مراد انصاری با کتابخانه و مدرسه ای که داشت، در نشر دانش و خدمت رسانی به مردم قشای به سزا ایفا می کرد. شیخ محمد عابد سندی چهار ساله بود که به همراه پدر، پدر بزرگ و عموش به جده هجرت کردند و برای مدتی در آنجا رحل اقامت افکندند. او در پی کسب دانش و نیز برای دیدار با عالمان دین، از جده به مکه، مدینه و طائف سفرهای فراوانی انجام داد.

او به یمن هجرت کرد و نزدیک به سی سال در آنجا ماند. اما بار دیگر به مدینه منوره سفر کرد و تا آخر عمر را در این شهر نورانی به بیان احکام، نشر علم و نگارش کتاب سپری کرد. ایشان در سن ۶۷ سالگی در مدینه وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد.

دکتر سائد بن محمد بن یحیی بکدش، درباره زندگی مرحوم محمد عابد سندی، کتابی در ۵۰۰ صفحه نگاشته است.^۱ در این اثر، مطالب ارزشمندی از جمله تمجید دانشمندان از این عالم گرانقدر گردآوری شده است. در این جا برخی از آنها را می آورم.

دانشمندان معاصر او و نیز پس از وی، پارسایی، کرم و لطف او را ستوده اند. فروتنی او و نیز تواضع علمی اش، پویایی، فعالیت های اجتماعی، گردآوردن دانش پژوهان برجسته، ظرفیت بالای او در مسائل علمی اختلافی، خیرخواهی او برای امت و برپایی سنت، بردباری در برابر سختی های دوران، بندگی و پابندی به مناسک، عشق فراوان به مدینه منوره و دعای فراوان برای ماندن در آن، از ویژگی های ستودنی است که دانشمندان معاصر او نقل کرده اند. وی با حدیث رسول خدا ﷺ انس داشت و از آن هدایت می گرفت و با آن شادمان می شد.

در پرونده علمی ایشان تألیف ۲۵ کتاب و ۱۶ رساله علمی دیده می شود. از برجسته ترین تألیفات ایشان «المواهب اللطيفة فی شرح مسند الامام أبي حنيفة» است. از این کتاب که در هزار صفحه به رشته تحریر درآمده، تنها

یک نسخه بر جای مانده است. شرح بر «الدر المختار فی المذهب الحنفی» که در ده هزار صفحه نگاشته شده، شرح بر «بلوغ المرام»، شرح صحیح بخاری و... از دیگر آثار علمی بر جای مانده از وی است. او در فقه و حدیث، پناه و مرجع مردم بود؛ چنان که قضات و حاکمان نیز به او مراجعه می کردند. رساله ای که پیش رو داریم، پاسخ به مسئله توسل و احکام آن است که از او پرسیده شده است.

توسل در میان پیامبران و نیز رسول گرامی اسلام ﷺ امری شناخته شده است. صحابه رسول خدا و تابعان آنها نیز این مسئله را پذیرفته و به آن عمل می کردند. عالمان دین نیز توسل را یکی از شیوه های دعا و وسیله ای برای تقرب به درگاه خداوند می دانستند. آنان توسل را فقط عبادت خدا قلمداد می کردند و گمان آنها بر این نبود که انسان زنده - هر چند پیامبر ﷺ - می تواند بدون اراده خداوند، سود و زبانی به دیگران برساند و کاری را بدون مشیت الهی انجام دهد. برای مردگان نیز چنین تصویری میان آنها وجود نداشت.

حتی ابن تیمیه که خود توسل را زیر سؤال برد و ذهن مردم را آشفته گردانید، آن را از مسائل فرعی دین می داند و در شمار باورهای اصلی دینی قرار نمی دهد.

ابن تیمیه در کتاب «التوسل و الوسيله» می گوید: «نقل شده که سلف صالح به این [شیوه] دعا (یعنی توسل به پیامبر ﷺ) و مانند آن عمل می کردند. در «المنسک» مروزی نقل شده که احمد بن حنبل در دعای خود

به رسول خدا توسل شده.^۱ در جای دیگر می گوید درخواست کردن، با توسل - به مخلوق - را طایفه ای از مردم جایز دانسته اند. از برخی پیشینیان نقل شده که آنان نیز این گونه توسل جسته اند. این نوع درخواست، در دعای بسیاری از مردم وجود دارد.

ابن تیمیه می افزاید در داستان شفا گرفتن فرد نابینا، پیامبر ﷺ دعا کرد و او بینایی اش را باز یافت. بنابراین دعای رسول خدا ﷺ بود که به او سود رسانید؛ پس دلیلی بر شفا یافتن نابینا با توسل به پیامبر ﷺ وجود ندارد. به همین دلیل به کسانی که توسل را باور دارند، ریشخند می زند. ابن تیمیه می گوید با دعای پیامبر ﷺ بود که او بینا شد و این نشانه ای از نشانه های پیامبر ﷺ است. اگر افراد نابینای دیگری رسول خدا را واسطه قرار می دادند و پیامبر ﷺ نیز برایشان دعا نمی کرد، این توسل برای شان سودی نداشت و بینا نمی شدند.^۲

جای بسی شگفتی است! مگر اجابت شدن دعا، بسته به این است که پیامبر ﷺ دعا کند؟! همه امور به دست خداست و دعایی که خدا نخواهد آن را اجابت کند، سودی ندارد. رسول خدا ﷺ به مدت یک ماه، قبیله های رعل و ذکوان را در نماز خود نفرین می کرد.

آن گاه این آیه نازل شد: ﴿لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ﴾؛ «هیچ یک از این کارها در اختیار تو نیست». (آل عمران: ۱۲۸)^۳ یعنی همه امور به دست خداوند

۱. التوسل والوسيلة، ص ۹۸. همچنین در صفحه ۱۵۵ مانند همین مطالب را آورده است.

۲. همان، ص ۶۵

۳. در «اسباب النزول» روایت شده است که پیغمبر ﷺ در نماز صبح پس از قرائت حمد و -

است. در شگفتم که برخی از دانش پژوهان این اشتباه ابن تیمیه را تکرار می کنند. ابوبکر جزائری نیز گفته ابن تیمیه را این گونه باز گو می کند:

از این رو این توسل با این شیوه (که نابینا و یا فرد حاجتمند به پیامبر ﷺ توسل شود) جایز و سودمند نیست؛ زیرا رکن اصلی آن یعنی دعای رسول خدا وجود ندارد. (هرچند ما برخلاف جزائری، بر این باوریم که پیامبر ﷺ برای نابینا دعا نکرد). فرض کنیم مسلمانی به پیامبر ﷺ توسل شد و بیماری اش برطرف گشت یا حاجت او برآورده شد؛ اما این دلیل بر جواز توسل و مشروع بودن آن نیست؛ زیرا برآورده شدن خواسته این مسلمان، از روی قضا و قدر الهی بوده است.

پاسخ ما به جزائری این است که مگر پذیرش دعای رسول خدا یا هر انسان دیگری، خارج از گستره قضا و قدر الهی است؟

البته از گفته های این فرد نباید شگفت زده شد؛ زیرا وی نوشته است که خداوند کشورش را توسط امریکا کمک کرد! او مفسر قرآن است و می داند که امداد الهی یا ابزارهای نیکو صورت می گیرد: **هَآئِیْ تُعَدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدَفِیْنَ** «من شما را با هزار فرشته پایی، یاری خواهم کرد». (تفال: ۹) اما مدو

→ تکبیر، سر به سوی آسمان بلند می کرد و می فرمود: **«سَمِعَ اللهُ یَقْنُ خَوْدَةَ رَبِّهَا وَتِلْكَ الْقَصْدُ»** و سپس در ادامه آن دعا می کرد: خدایا! ولید بن ولید و سلمة بن هشام و عیاش بن ابی ربیعة و دیگر مؤمنان مستضعف را رهایی بخش. خدایا! بر مضر بلای سخت فرود بیاور و پامالشان کن و سال های قحطی چون سال های قحطی یوسف بر ایشان قرار ده خدایا! لحيان و رعل و ذکوان و عصبه را که نافرمانی خدا و پیغمبر ﷺ کردند، لعنت کن. ابوبهریره گوید: شنیده ایم که پس از نزول آیه مورد بحث، پیغمبر ﷺ این دعا و نفرین را ترک کرد. بخاری نیز این روایت را آورده است. (اسیاب النزول، ذکاوتی قراگزلو، علیرضا، نشر نی، تهران، ۱۳۸۳) البته این رأی برخی از مفسران قرآن کریم در شأن نزول این آیه است. (مترجم)

کشاندن است که با شرّ صورت می گیرد: ﴿يَمُدُّهُمْ فِي طُفْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾؛ آنان را در طغیانشان فرو می گذارد تا سرگردان شوند. (بقره: ۱۵) 'مگر آمریکایی های کافر، خیر و برکت هستند که مصداق آیه ۹ سوره مبارکه انفال باشند و خدا آنها را به امداد مسلمانان فرستاده باشد تا با مسلمانان پیکار کنند؟! همان گونه که خداوند رسولش را با ملائک امداد کرد تا با مشرکان بجنگد؟! این سخنان فقط از روی سیاست زدگی است که برخی عالمان برای دنیای فانی بیان می کنند.

در پایان بار دیگر یادآور می شویم که میلیون ها مسلمان در گذشته و اکنون به پیامبر ﷺ و دیگر صالحان متوسل شده و می شوند. پیشوایان، عالمان صالح، پارسا و عابدان، همه این رویه را پیموده اند. پس، از تکفیر مسلمانان بر پایه ادله ظنی و اتهام های واهی دست بکشیم؛ زیرا آنان گفته ها و رفتار خود را بر دلیل و برهان قاطع پایه گذاری کرده اند.

بیاییم بر وحدت کلمه مسلمانان - با هر مذهب و در هر نقطه ای که هستند - اهتمام بگذاریم و تا زمانی که به حقایق اسلام (ایمان، عبادت و معاملات اسلامی) پایبند هستند، وحدت با آنان را سرلوحه فعالیت های خود قرار دهیم. خداوند می فرماید:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾ (انباء: ۹۲)

این است امت شما که امتی یگانه است، و منم پروردگار شما؛ پس مرا پرستید.

درود ما بر حضرت محمد و خاندان و اصحاب و برادرانش باد.

۱. در آیه اول، از امداد سخن گفته شده، اما در آیه دوم، از مدّ که به معنای فرو گذاردن و کشاندن است. (مترجم)